

چگونه دولت سهامی از وحدت ملی به وحشت ملی تبدیل گردید؟؟؟ (استاد صباح)



اوضاع افغانستان با وجود گذشت سال ها و حضور نیروهای خارجی، نگران کننده است و ناامنی ها همچنان ادامه دارد . نیروهای بیگانه برای تامین منافع و امنیت خود هر اقدامی که بخواهند فراتر از وظایف ، قانون افغانستان و قوانین بین المللی انجام می دهند.

از جانب دیگر فساد اداری بیداد میکند، امنیت رو به وخامت می گراید و دولت در راستای حل مشکلات کشور عاجز است و برنامه عملی ندارد. شیوع فساد اداری به شکل بی سابقه آن در ادارات دولتی، پروژید امنی ها و زمینه هی گسترش آن و بحران وبد امنی عوامل فساد اداری و حرکت کند بازسازی و نوسازی و دلیل غیر موثر بودن مساعدتهای جامعه جهانی به کشور که باعث بوجود آمدن روحیه مخالفت علیه نظام و سرانجام منتج به بروز مخالفت های نظامی می گردد، دولت در زمینه رفع این عوامل کوچکترین اقدام عملی انجام نداده است که با گذشت زمان ساحه فعالیت های تخریبی تروریستان در ولایات جنوب، جنوب غرب ، شرق و شمال کشور توسعه یافته، زمینه ها و انگیزه ی نارضیتی و مخالفت در سایر ولایات محسوس است، فساد اداری به اوجش رسیده، بازسازی و نوسازی بطور لازم آن با توجه به مبالغ هنگفت به مصرف رسیده انجام نیافته است. اینان همه زاده انتلاف های مصلحتی و زود گذراست که به اساس ضرورت و منافع شخصی و گروپی انجام میگیرد و هیچکدام نسبت به کشور و مردم کشور دلسوزی و پابندی ندارند .

دون خنزیر



فکندند دست و پایها را به زنجیر
ربودند نام نیکان را به تکبیر
به پای منبر و گلدسته و دیر
حکایت از بت و بتخانه و پیر
دغل با صدق و آیینها درآمیخت
ستم بر مردمان کردند به تکفیر
شکوه و اقتدار از دین جدا شد
مسلمانان همه تهدید به شمشیر
گرفتند پیشه ی پالش و سازش
بجای ساخت و ساز، همه دم تیر

به هم نامردمان آیین فروختند
 به نام حفظ دین مردم به تسخیر
 به هر جا میرسیدند سر میبردند
 نمودند بیشه مارا، بی شیر
 همه تشنه و آنها عشوه فروختند
 همه بی جان ولی آنها همه سیر
 چرا کشور اسیر گرگی شریر؟
 نمی دانم چرا مردم دم تیر؟!
 کجا شد آرش و کجاست کاوه؟
 بگیرند انتقام از دون خنزیر ???

درسزمین ما



به نظر می رسد که قلب شهرایستاده است و تنها صدای پای
 سربازان است که درکوچه ها شنیده می شود.
 اینک سر نیزه های قلم، از کاغذ ها بر خواسته و در برابر
 سینه استبداد نشانه رفته است.
 ما هراسی نداریم، چرا که جنبش و خروش خلق با پیامی به
 یاری یکدیگر رسیده اند.
 سلام مرا به آن مادرپیری که دراندوه فرزند شهیدش فرسوده گردیده برسانید و
 بگویید : (آ-ز-ا-د-ی-د-ر-ر-ا-ه-ا-س-ت) .

جنرال دوستم به ع و غ



باشما (ع - غ) تقسیم وظائف میکنیم ، شما در امور سیاسی ، اداری و اقتصادی کشور را اداره کنید و مسولیت
 موضوعات نظامی را بگذارید بدوش من . اطمینان میدهم بیاری خدا - ج- از هلمند تا ننگرهار ، کنر از فاریاب تا
 قندوز ، بدخشان دامن طالب و بی امنیتی ره برمی چینم.

ملاقات غنی و جنرال دوستم

چهارمین کنگره حزب جنبش تاامرتانی معاون اول ریاست جمهوری معطل شد، معاون اول ریاست جمهوری ملاقاتهای
 محرمانه بی باغنی رئیس جمهور انجام داده است .

هیاهوی توافق ارگ نشینان باجنبش



گفته می شود از میان توافقات دو ماده آن معلم عطا و تعدادی از سران دیگر افغانستان را به لرزه در آورده است.

- واگذار کردن ولایت بلخ به حزب جنبش ملی ا.ا.
 - ساختن گارد بیست هزار نفری تحت قیادت جنرال دوستم .
- توافقات کلی!**
- وزارت دفاع یاداخله.
 - پست والیان همراه با قوماندانان امنیه نوولایات شمال و شمال شرقی.
 - پنج سفارت خانه درجه یک و بیست سفارت خانه های درجه دوم.
 - دادن شش معینیت وزارت خانه ها.
 - صلاحیت های زیادبه معاونیت اول ریاست جمهوری.
 - منظوری بیست هزار نفراردوی خاص به فرماندهی جنرال دوستم.
 - رتبه مارشالی به معاون اول ریس جمهور.
 - قرارگفته ها رتبه مارشالی در چهارمین کنگره حزب جنبش به جنرال دوستم تفویض میگردد.
 - ارگ و شورای امنیت در دو جهت نشست های را انجام داد.

همه باهم...

همه یک ناسیونالیست باقی بمانیم، پشتون، تاجیک ، هزاره ، ازبک ... هموطنیم اما سالهاست که نتوانسته ایم برای هم تبعیض قائل نباشیم؛ گویی همه تبعید شدیم به زمین و زمانی که برای ما نیست. این حربه ی دست سازو استعمار شده؛ تاریخ ما را اینگونه خواسته ولابد ما نیزتاریخ فردا را اینگونه که امروز می خواهیم، نباید بسازیم؛ پس بمان ویرادرهموطنت رادرآغوش بگیرو تو تاریخ ازبرادری و برابری بساز...

کی مقصر است؟؟؟



ایاوزارت داخله وبخصوص ریاست عمومی امنیت ملی وظیفه ای جز استخبارات و کشف محل و اهداف تروریستان دارد؟ که روزی دم از مقامات خودفروخته در درون حکومت و ستون پنجمی ها می گوید، بدون ارایه نام و اطلاعات آنان، اگر سندی دال بر چنین مقاماتی است چرا استانکزی برای مردم و نمایندگان مردم افشا نمی کند؟ اگرشخصی چون استانکزی، وزیر داخله و دفاع با وجود امکانات حکومتی و کمک های هنگفت ناتوان از برقراری امنیت در افغانستان هستند باید محاکمه و سلب صلاحیت شوند و اشرف غنی که از ابتدای حکومت وحدت ملی بارها و بارها وعده ثبات و مبارزه با دشمنان داخلی و خارجی را داده است پاسخگوی مردم باشد.

حمله کننده های انتحاری به سادگی توان فلج کردن حکومت در پایتخت را دارد و می توانند هر ساختمان و هر نهادی را مورد حمله قرار دهند، در حالی که کابل امنیتی ترین شهراین کشوروپارلمان ومراکز امنیتی پرمحافظ ترین مکان هاست. و ذهن ها باری دیگر به سوی معامله ها و پشت پرده ها می رود، جایی که از درون هسته حکومت با جنایت کاران چنان اطلاعاتی رد و بدل می شود که بلندپایترین مقامات بی خبر تنها برای فرستادن پیام تسلیت از خواب غفلت برمی

خیزند. زمان تغییرات بنیادین در تمامی سطوح امنیتی فرارسیده است و باید سکوت مقامات شکسته و خابنین محاکمه شوند و اگر باز هم قرار است به مانند گذشته حکومت همچنان ناکارآمد و مقامات برقرار باشند، مردم باید خود به فکر دفاع از جان و کشور باشند.

چرا هرروز قتل و جنایت؟؟؟



خیانت های که هر روز در افغانستان اتفاق می افتد در زیر چتر حمایت حکومتی است که غنی و عبدالله در راس آن هستند و در مقابل دیدگان استانکزی اتفاق می افتد که اگر میرا از خیانت باشد متهم به چشم پوشی است و پارلمانی که اینبار به چشم دید که معامله ها روزی به خون می رسند. چگونه انتحاری کنندگان می توانند ظرف چند ساعت در کشور خون به پا کنند و با افتخار از دستیابی به اهداف شان بگویند؟ افغانستان آیا با وجود وزارت دفاع و داخله، ریاست امنیت ملی و شورای عالی امنیت، چنین عاجز از اطلاعات استخباراتی و کشفی هستند؟ روز پاسخگویی است از پارلمان گرفته تا حکومت که بگویند در مقابل به خاک و خون کشیدن مردم به چه معامله های رسیدند، آنجا که وظیفه سنگین امنیت را در پستوی خانه هایشان پنهان می کنند و با پول های فساد، دست در دست دشمنان این سرزمین جنگ می آفرینند.

دریکروز روشن چه اتفاق افتید؟؟؟



تروریستان تنها طی چند ساعت با سه انتحاری جان مردم و کارمندان را گرفتند که نه مقامی بلندپایه در تصمیمات حکومتی بودند و نه دشمن خارجی یورش آورده به افغانستان! هشت کشته و دوزخمی در حمله انتحاری لشکرگاه مرکز هلمند ساعت یازده صبح سی تاچهل کشته و هشتاد تانود زخمی در دو حمله انتحاری کابل ساعت چهار بعدازظهر هشت تاده کشته و پانزده تابیست زخمی در انفجار قندهار ساعت هفت شب تروریستان مسوولیت حملات کابل و هلمند را برعهده گرفته اند و انفجار در قندهار را مربوط به اختلاف های درون حکومتی دانستند. حال چگونه انتحاری کنندگان می توانند ظرف چند ساعت در کشور خون به پا کنند و با افتخار از دستیابی به اهداف شان بگویند؟ افغانستان آیا با وجود وزارت دفاع و داخله، ریاست امنیت ملی و شورای عالی امنیت، چنین عاجز از اطلاعات استخباراتی و کشفی هستند؟...

سخن میلیونها باشنده این سرزمین گفته شد



بشردوست خطاب به اعضای مجلس گفته است که شما در پست ریاست امنیت ملی به فردی رای دادید که او انجینر ساختمان است نه یک نظامی کارکشته، به وزیر داخله رای دادید که او یک روز مرکز تعلیمی را ندیده و به گونه کامل

بیسواد است و نیز در وزارت دفاع به کسی رای دادید که او در روز روشن و ایستاده خواب اش میبرد... پس انتظار شما از این افراد چیست؟

وطن درخون و غنی درجنون

بی کفایتی مسوولین امنیتی تا کجا می تواند باشد! این بار اول نیست که در سرک دارالامان انفجار رخ می دهد بلکه برای دفعات ششم و هفتم می باشد. آیا آنها می خواهند خشونت علیه اعضای پارلمان کنند و آنها را از بین ببرند؟ در این میان مسوولان امنیتی ما چه می کنند؟ پولیس و امنیت شهر کابل ده ها سال است که در اینجا و در این بخش کار می کنند چرا اینقدر بی کفایت هستند و چرا به دلیل این بی کفایتی تبدیل نمی شوند؟ ما افرادی داریم که در جبهات جنگ به سختی و در ولایات گوناگون می جنگند و افراد بالیافت و شایسته ای هستند اما می گویند که سه سال شده روی خانه و خانواده خود را ندیده اند در حالیکه این بچه ها و افراد واسطه دار بی کفایت در کابل و در امنیت کار می کنند در حالیکه هیچ صلاحیتی هم ندارند و امنیت یک شهر را نمی توانند تامین کنند.

شما ای ارگ نشینان

دلی رامسوزان که ز هر دل به خدا راهی ست
هر که را هیچ به کف نیست به دل آهی ست.



در حالیکه عده کثیری از مردم روز به روز فقیر تر و گرسنه تر میشوند، اما کاخ های میلیون دالری از برکت فساد گسترده اداری، در کابل و شهرهای دیگر کشور سر بلند میکنند. شاید بهترین نمونه بی این رسوایی ها، شیرپور، شهرکهای مختلف در شهر کابل، اعمار بلند منزل ها و چپاولگری های سیاف در کابل و قصرها و ساخت و سازهای عطا محمد نور در بلخ بوده است که نمادی از چپاول کمکهای جهانی و فساد میباشد. بازسازی کشور با پرداخت هزینه های سنگین به عهده چند شرکت بزرگ خارجی در تبتانی با حلقات مافیای در بخش اقتصادی گذاشته شد، در حالیکه این سرمایه ها باید در بخش های هزینه میشد که اقتصاد کشور را بر سر پای ایستاده میکرد. شاید ده ها میلیارد دالر برای شگوفایی اقتصاد متأثر از جنگ، کافی نباشد، اما بدون هیچ شکی برای زمینه سازی برای حرکت بسوی بهبود معیشت مردم میتوانست بسیار مفید و سرنوشت ساز باشد. ده سال شانسی از همکاری جامعه جهانی به هر دلیلی که باشد، مقصر کسانی اند که در این مدت بر اریکه قدرت تکیه زده بودند، آنان مسوول همه بی شرایط اند که در این سالها پیش آمده است.

غنی! صدای وجدان و تپش قلب داری؟؟؟



دانشمندی عقیده دارد، طعم عزت را تنها زمانی خواهی یافت که دیگر به تملق نیازی نداری، زمانی که تنها به یک مبدأ امیدوار شدی و به یک مبدأ نیازمند شدی، تمام قدرت را یافته ای. متملق کسی است که نمی تواند قدرت درونی خویش را بیابد. و وقتی که نتوانست بیابد تضعیف می شود. نیرومند ترین انسان کسی است که امیدش را از دست ندهد. تنها کسی امیدش را از دست می دهد که درون خویش را کشف نکرده باشد.

تنها نوری که می تواند انسان را در ظلمات راه ببرد، دل پاک است.
 اگر انسان گناه را بشناسد، می تواند از آن رهایی بیابد.
 ولی زمانی که گناه را نمی شناسد کی می تواند از آن رهایی یابد.
 خلوص، دل انسان را به بزرگی آسمان کرده و تبدیل به خروش اقیانوس می کند.
 یک تپش دل، اگر بداند که چرا می تپد، تبدیل به یک شمع می شود در تمام ظلمت تاریخ.
 یک تحفه کوچک: «آن کس که به فریاد دلش بیدار نشود، به فریاد دیگران نیز بیدار نخواهد شد».
 تمام پیامبران تنها، با تپش قلبت صدا می زنند تا به فریاد دلت بیدار شوی. و آنکس که با ندای وجدان بیدار نمیشود او مرده است. اگر یک تپش دل بیدار باشد، انسان را از فرش تا عرش می رساند.
 ذلت از آنجا می آید که انسان فریاد و دعوت دل خویش را نمی شنود.
 آنکه به پاداش خدا حرکت می کند عزیز است، و آنکه به پاداش دیگران حرکت می کند ذلیل است.

اندیشمندی به ارگ نشینان میگوید



اندیشمندی از روی طنز و طعنه به حاکمان ستمگر میگوید:

همیشه در پی سود خویش باشید، جز خویشتن هیچ کس را محترم نشمارید، بدی کنید اما چنان وانمود نمایید که نیکی می کنید، حریص باشید و هرچند می توانید تصاحب کنید، خشن و درنده خوی باشید، بقول و وعده خود عمل نکنید، چون فرصت بدست آوردی دیگران را بفریب، در رفتار با مردم به زور و حيله توسل جوی و نه مهربانی و همه مساعی خود را بر جنگ استوار ساز. برای فرمانروا داشتن صفات خوب چندان مهم نیست مهم این است که فن تظاهر به داشتن این صفات خوب را بلد باشد. وی به شهرت، قدرت و عظمت دست یابد. دروغ گفتن، عهد شکنی، خیانت، دورویی، سوء استفاده از مذهب، استفاده از زور و هر ابزار دیگری را برای خود مجاز می شمارد.

توصیه دانشمند

دانشمندی توصیه مینماید: مراقب باشید امروز عده ای از مردم در دنیا با دروغ و رذالت، خلاف و خیانت به تجملاتی رسیده اند و تو در مقایسه با آنان هیچ چیز نداری، اینرا یقین بدان که آنها تقاص پولهایی را که از راههای خلاف درآورده اند هم در این دنیا و هم در آخرت خواهند داد. خودت را با آنها مقایسه نکنید. مهم این نیست که در نظر دیگران ثروتمند جلوه کنی مهم این است که در درگاه حق جایگاه خوبی داشته باشی پس در هیچ شرایطی شرف را نفروش.

وکیلان پارلمان چه می کنند؟؟؟



زمانیکه وکلا باموتزهای آخرین مودل بطرف محل وظیفه شان رهسپار است آیروزی شده که به اطراف واکناف خویش چون: کوتاه سنگی، چوک ده بوری، پل سرخ و سوخته، کارته سه وچهار، دهمرنگ، باغ وحش، چهلستون، دارلمان که محل وظیفه مقدس آن است، جاده میوند، کوچه های خرابات، بارانه و سنگ تراشی، پل محمود خان، چمن، ششدرک، مکروریاتها ... نظر بیاندازند و به این فکر کنند که عاملین اینهمه ویرانی ویربادی رامورد سرزنش و بازخواست قرار بدهند؟ و نه اینکه عاملین این جنایت نابخشدنی رامعاف سازند.

و یا اینکه هزاران هزارگرسنه و بیکاردر چهارراهی ها و چوک ها منتظر یک ساعت کاری که ازمزد آن بتوانند اطفالش را در روز برای یکبار غذا بدهد و یا هزاران هزار اطفال یتیم، زنان بیوه، خانواده های بی سرپرست و بازماندگان شهدا که دست به گدایی و اقدام به تن فروشی مینمایند، و یا کارمندان پائین رتبه دولتی که از طلوع تا غروب آفتاب به حقوق ماهانه سی تا چهل دالر فامیلش را سرپرستی مینمایند و یا دست فروشان که در زیر آفتاب سوزان و سردی زمستان بخاطر پنچ یا ده افغانی فریادی ببرید و بخیرید را سرمیدهند به چشم میبینند و به گوش میشنوند که فیصله های به نفع این ستم دیده گان صورت گیرد.

درد ملت و وکیلان بی فطرت

که بخاطر دارد که رسول سیاف، سید منصور نادری، محمد اکبری، قوماندان حضرت علی، سلام راکتی، یونس قانونی، ملا تاج محمد مجاهد، اسحق گیلانی، فضل کریم ایماق، قوماندان احمد خان، عبدالروف ابراهیمی ریس پارلمان، قوماندان علم (سیاه) آزادی، امیر لالی، عبدالقیوم کرزی، محمد عارف نورزی، اسحق رهگذر. . . از تریبون پارلمان، روزی بخاطر درد و مصیبت بی پایان ملت دهن باز کرده باشند و حرفی رابه زبان آورده باشند.؟؟؟

اینست خانه ملت و نماینده گان ملت. آیا اینان می تواند با این شگردها دهان مردم را ببندند؟ هر خانه ویرانه ی، هر فرزند یتیمی که پدرش به دست نوکران بیگانه و دالرپرست به قتل رسیده است، هر بیوه زنی، هر دست و پا بریده ای و . . . پرچم های برافراشته ای هستند که ظلم و جنایت مجاهد نمایان رافرید می زنند. حتی اگر ما کورباشیم و نبینیم و یا کورباشیم و نشویم.